

افزوده تاریخی یافته‌اند. مثل هواپیمای داکوتایی که سابقه حضور در نبرد نورماندی در جنگ جهانی دوم را داشت و مسئولان موزه بدنه‌اش را بردند تا کولسر گازی و توالست در آن نصب کنند، صندلی‌های‌شان را جدا کردند و تجهیزات را ارزش درونش را تکه‌تکه کردند و دور ریختند و داخلش را برای تبدیل به دفتر کار، کاشی‌کاری کردند، البته این رویه شوم تنها به اوراق کردن و فروش قطعات این گنجینه منجر نمی‌شود و گاه ممکن است به سرنوشت یکی از هواپیماهای سلطنتی منجر شود که ظاهراً قرار است با پرچیدن تجهیزات این هواپیما، شرایط برای تبدیل آن به رستوران فراهم شود؛ آن‌هم هواپیمایی که از روز نخست خدمت، هواپیمای اختصاصی مالک کمپانی مشهور فورد بوده، بعد به خاندان پهلوی سرویس داده و پس از انقلاب در اختیار مقامات کشورمان بوده و احتمالاً چنین تاریخچه‌ای برای تبدیل آن به یکی از گران‌ترین هواپیماهای جهان در هر کشور دیگری کفایت می‌کرد، همه این ماجراها اتفاق می‌افتد بی‌آن‌که لحظه‌ای به این بیندیشیم که با نابودی آثار تاریخی‌مان چه خواهیم داشت؟

واقعیت این است که کشور ما، کشوری تاریخی است و آثاری که از گذشته بر جای مانده شواهد تاریخی ما را تشکیل می‌دهند که ارزش و زیبایی آنها برای تمام مردم دنیا قابل لمس است، بنابراین در صورت نابودی آثار تاریخی‌مان از گذشته ایران تنها حرف‌ها و ادعاهای باقی می‌مانند که اثبات آن بسیار مشکل خواهد بود.

میراث فرهنگی در دنیا جزو دارایی‌ها و ثروت‌های ملی و پایدار هر کشور محسوب می‌شود که نه تنها از بین نمی‌رود، بلکه نتایج اقتصادی و معنوی نیز به همراه دارد. قرار گرفتن ایران و کشورهای مشابه آن به‌عنوان هسته مرکزی دنیا از لحاظ برخورداری از آثار تاریخی در کنار سرزمین‌های پیشرو در این امر، باعث شده کشورمان نقشی اساسی در پیدایش تمدن جهانی داشته باشد، بنابراین با وجود آثار تاریخی کشورمان است که می‌توان گفت ایران چه در گذشته و چه در زمان کنونی از لحاظ برخورداری از آثار تاریخی در کلون جهان قرار دارد تا اخیر. درواقع اگر علاقه‌مندیم از والدین و اجدادمان یادگارهایی بر جای بماند، لازم است تاریخ و هویت کشورمان را حفظ کنیم، چراکه آثار تاریخی اجداد ما بیانگر هویت ایرانی ما است. ملتی که تاریخش را از دست بدهد، هویتش را از دست داده است. علاوه بر این، هویت تاریخی ما دارای ارزش جهانی است و این ارزش ما را در جهان قابل احترام می‌سازد.

تعطیل و بعد به دلیل انباشته‌شدن فاضلاب در آن به منسأ بیماری‌های عفونی در منطقه تبدیل شد. واقعیت این است که خیلی راحت لودرها و ابزار آلات غول‌آسای عصر ماشین به هر بهانه و شیوه‌ای به جان آثار تاریخی ما می‌افتند و تنها عده‌ای از ما دل می‌سوزانند و بقیه بی‌اعتنا به خانه‌ها و آثار تخریب‌شده، روزگار می‌گذرانند، البته نامهربانی ما به تاریخ و گذشته‌مان محدود به تخریب بناهای تاریخی نیست و آن‌قدر به تخریب‌ها و از بین رفتن آثار گذشتگان‌مان بی‌اعتنا بوده‌ایم که حالا از اوراق کردن هواپیماهای تاریخی می‌شنویم، خبرهایی بااین مضمون: سرنوشت شهباز، هواپیمای شاه سابق ایران مبهم است! هواپیماهایی که اوراق می‌شوند و ضایعات‌شان کیلویی ۴هزار تومان فروخته می‌شود.

ضایعات امروز، روزی در نمایشگاه هوایی تهران که در کیلومتر چهارم جاده تهران – کرج روبروی پارک ارم واقع است مهمان بودند، نمایشگاهی که در سال ۱۳۶۵ افتتاح شد تا محلی باشد برای علاقه‌مندان و متخصصان به پرواز و هواپیما. در سال‌های ابتدایی استقبال خوبی از نمایشگاه می‌شد، تبلیغات مناسبی صورت می‌گرفت، بر خسی هواپیماها روشن می‌شدند و در محوطه نمایشگاه حرکت می‌کردند، حتی موتور گنجدند فانتوم برای نخستین‌بار در این نمایشگاه برای عموم به نمایش گذاشته شد. یک فروند هواپیمای ۱۰۰-۱۳۲۷ ایران‌ایر چندسالی‌گوشه نمایشگاه هوایی نشست و بالاخره تکه‌تکه و به خریداران ضایعات فلزی فروخته شد؛ هواپیمایی که به‌عنوان تاریخچه شکل‌گیری هواپیمایی ملی ایران بود. بانک تقوایی، نویسنده و پژوهشگر دفاعی معتقد است مدیران سازمان هوایی نگاه تاریخی ندارند فقط به کسب درآمد از این هواپیماها فکر می‌کنند. در چندسال گذشته مستتریان خارجی که اهمیت تاریخی این هواپیماها را می‌دانستند برای خرید و نجات آنها اقدام کردند اما به بهانه این‌که سرمایه ملی هستند به این مقاضیان فروخته نشدند. گنجینه‌ای که روا داشتن این بی‌رحمی در حقیقت نه با هدف‌گذاری کشورمان در توسعه صنعت هوایی همخوانی دارد، نه منطبق بر اصول گردشگری است و نه حتی با ملاک‌های اقتصادی و هزینه-فایده همخوانی دارد.

خصوصی‌مسرد تعبیر شد. اما حمام بی‌باغانه -از- قدیمی‌ترین حمام‌های کرمان- سرنوشت دیگری برایش رقم خورده! حمامی‌کسه تاریخش به دوره قاجار برمی‌گردد و به اندازه ۲۰۰سال در دل خود قصه دارد، به‌دلیل بالای آمدن آب‌های زیرزمینی در این آثار تاریخی و دبدنی شیراز را تخریب کرد، سرنوشتی که بیشتر آثار تاریخی ما به آن دچار هستند، البته این تخریب‌ها قدمت طولانی دارند و به امروز و دیروز محدود نمی‌شوند. به‌عنوان مثال مسال قلع‌نهبوند به جا مانده از دوره ۱۳۲۷ ایران‌ایر چندسالی‌گوشه نمایشگاه هوایی نشست و بالاخره تکه‌تکه و به خریداران ضایعات فلزی فروخته شد؛ هواپیمایی که به‌عنوان تاریخچه شکل‌گیری هواپیمایی ملی ایران بود. بانک تقوایی، نویسنده و پژوهشگر دفاعی معتقد است مدیران سازمان هوایی نگاه تاریخی ندارند فقط به کسب درآمد از این هواپیماها فکر می‌کنند. در چندسال گذشته مستتریان خارجی که اهمیت تاریخی این هواپیماها را می‌دانستند برای خرید و نجات آنها اقدام کردند اما به بهانه این‌که سرمایه ملی هستند به این مقاضیان فروخته نشدند. گنجینه‌ای که روا داشتن این بی‌رحمی در حقیقت نه با هدف‌گذاری کشورمان در توسعه صنعت هوایی همخوانی دارد، نه منطبق بر اصول گردشگری است و نه حتی با ملاک‌های اقتصادی و هزینه-فایده همخوانی دارد.

خصوصی‌مسرد تعبیر شد. اما حمام بی‌باغانه -از- قدیمی‌ترین حمام‌های کرمان- سرنوشت دیگری برایش رقم خورده! حمامی‌کسه تاریخش به دوره قاجار برمی‌گردد و به اندازه ۲۰۰سال در دل خود قصه دارد، به‌دلیل بالا آمدن آب‌های زیرزمینی



یکی از آثار تاریخی و دبدنی شیراز را تخریب کرد، سرنوشتی که بیشتر آثار تاریخی ما به آن دچار هستند، البته این تخریب‌ها قدمت طولانی دارند و به امروز و دیروز محدود نمی‌شوند.

به‌عنوان مثال مسال قلع‌نهبوند به جا مانده از دوره ۱۳۲۷ ایران‌ایر چندسالی‌گوشه نمایشگاه هوایی نشست و بالاخره تکه‌تکه و به خریداران ضایعات فلزی فروخته شد؛ هواپیمایی که به‌عنوان تاریخچه شکل‌گیری هواپیمایی ملی ایران بود. بانک تقوایی، نویسنده و پژوهشگر دفاعی معتقد است مدیران سازمان هوایی نگاه تاریخی ندارند فقط به کسب درآمد از این هواپیماها فکر می‌کنند. در چندسال گذشته مستتریان خارجی که اهمیت تاریخی این هواپیماها را می‌دانستند برای خرید و نجات آنها اقدام کردند اما به بهانه این‌که سرمایه ملی هستند به این مقاضیان فروخته نشدند. گنجینه‌ای که روا داشتن این بی‌رحمی در حقیقت نه با هدف‌گذاری کشورمان در توسعه صنعت هوایی همخوانی دارد، نه منطبق بر اصول گردشگری است و نه حتی با ملاک‌های اقتصادی و هزینه-فایده همخوانی دارد.

خصوصی‌مسرد تعبیر شد. اما حمام بی‌باغانه -از- قدیمی‌ترین حمام‌های کرمان- سرنوشت دیگری برایش رقم خورده! حمامی‌کسه تاریخش به دوره قاجار برمی‌گردد و به اندازه ۲۰۰سال در دل خود قصه دارد، به‌دلیل بالا آمدن آب‌های زیرزمینی

گزارشی از تخریب آثار تاریخی و آثار سوء تخریب‌ها

مرثیه‌سرایي تکراری برای آثار باستانی

◀ نوستالژی ملی‌مان را حفظ کنیم

◀ هواپیما کیلو چند؟

لیلا مهداد بولدزرها می‌آیند به بهانه احتمال آوار، ساخته‌شدن بنیای جدید و هزاران بهانه تا تخریب کنند و آوار، کاری که در ذات‌شان نهفته است و بعد از آن نقدو گله‌ها بالا می‌گیرند و دوباره گویی انتقاسی نیشاده، همه آرام می‌گیرند تا پای بولدزرها به آثار تاریخی دیگری برسند و برای مدتی زلزله‌ای با ریشترهای مختلف در میان دوستداران میراث‌فرهنگی راه بیندازند، زلزله‌هایی که گویی آخرین زلزله تاریخ هستند اما در اوج ناباوری دوباره و چندباره تکرار می‌شوند.

این تکرار همیشه وجود داشته و سوال اصلی این است که چرا اکثر ما به آن بی‌توجه هستیم؛ یعنی گذشته و تاریخ‌مان بریمان اهمیت ندارد یا این‌که

آن قدر غرق در روزمرگی‌ها شده‌ایم که دیگر جایی برای آثار تاریخی و میراث‌فرهنگی‌مان نمی‌ماند؟ مگر در شهرهای‌مان دیگر زمینی برای تخریب و برج‌سازی وجود ندارد که تنها ملک‌های تاریخی و دارای ارزش میراثی جولانگاه مافیای تجاری‌سازی‌ها شده‌اند؟ آیا قرار است ما برای نسل‌های آینده‌مان تنها برج‌ها و عکس‌هایی از آثار باستانی را به یادگار بگذاریم؟ آیا از خود سوال کرده‌ایم که س‌رای دلگشا چه شد؟ س‌سرایي به یادگار مانده از دوره قاجار در خیابان ۱۵‌خرداد، بعد از چهارراه گلوبندک، روبروی میدان ارگ جا خوش کرده بود اما چرخ روزگار این گونه چرخید که حکم به تخریبش بدهند. فرجامی شوم برای آثار باستانی‌ای که ثبت جهانی

نگاه لوکس و توریستی به تاریخ‌مان داریم

| امیرحسین جلالی | روانشناس |

در باره ۶۰هصد یازدهم اردی‌به‌مهر، هیچ خیابان، نماد و نشانی در شهر وجود ندارد تا بتوانند کمک‌کننده باشد؛ از بس نو به نو ساخته شده است و گویی آن نشانه‌ها به شکل خیلی غربی حذف شده‌اند و پیراسته شوند. علت آن این است که گویی ماسولا یاد نگر فته‌ایم به تاریخ خودمان افتخار کنیم. ما به‌گونه‌ای رفتار می‌کنیم که انگار مسافران و ساکنان جدیدی در این سرزمین هستیم. درحالی‌که افرادی که در گذشته در این سرزمین زندگی می‌کردند، پدران و اجداد ما بودند و اگر افتخاری دیروز یا امروز وجود دارد، متعلق به یک خانواده است.

اما گویی ما این احساس را نداریم. در حقیقت ذهن‌مان از نظر تاریخی، ذهن پریشانی است و یک تعریف مشخص و واحد از خودمان نداریم. آن‌قدر که همه جنگ‌ها و ستیزها باعث ورود اقوام جدید شده و در کنار آنها هویت‌های جدیدی به ما داده‌اند، اصولاً وقتی ما خودمان را به‌عنوان ایرانی تعریف می‌کنیم، سر در گمی زیادی در این تعریف داریم، بنابراین خیلی عجیب‌نیست که نسل گذشته یا حتی نسل بعد خیلی به تاریخ اعتنایی چندانی نداشته باشند. واقعیت این است که تخریب آثار تاریخی یا اوراق کردن هواپیماهای باارزش تاریخی یک مسأله فرهنگی و اجتماعی است. در چنین فضای اجتماعی این دست رفتارها خیلی عجیب نیست. زمانی که به کودکی در مدرسه آموزش داده می‌شود که تو دارای تاریخ و فرهنگ متمدنی هستی، بی‌شک در بزرگسالی تاریخ و فرهنگ و حفظ آن برایش اهمیت می‌یابد. هیچ جامعه‌ای محصول صد یا ۵۰ سال نیست. آنچه هر جامعه‌ای دارد محصول کوشش‌ها و تلاش‌های قرن‌های تمدادی از نسل‌های مختلف، فرهنگ‌ها، عقاید، نژادها و باورهای مختلف است.

ما با میراث‌مان نامهربان بودیم

| امان‌الله قرایی‌مقدم | جامعه‌شناس |

ما چقدر با این بخش از تاریخ‌مان آشنا هستیم و در حفظ آن می‌کوشیم؟ متأسفانه ما بی‌اعتنا بار آمده‌ایم و فضای اجتماعی به این بی‌اعتنایی دامن زده است. فراموش کردن تاریخ به مثابه فراموش کردن هویت و نوستالژی ملی است و گویی ما هنوز این رنگ خطر را نشنیده‌ایم. نشنیده‌ایم که دانشجوی تاریخ ما هنوز پاسارگاد را ندیده است! و این درحالی است که یکی از شرایط شهروند آمریکاشدن دانستن تاریخ این کشور است. تاریخی که قدمت آن از ۵۰۰-۴۰۰سال‌ها را فراتر نمی‌گذارد. درحالی‌که درس تاریخ در بین دروس ما اهمیتی ندارد و بی‌شک ادامه این روند شرایط بدی را در پی خواهد داشت، چون فراموشی تاریخ، هویت‌مان را از بین خواهد برد و جهان وطنی خواهیم شد.



خلأقانونی نداریم، در اجرا ضعیف ظاهر شده‌ایم

| عبدالصمد خرمشاهی | حقوق‌دان |

و در حقیقت در این‌راه جهاد داشته باشند. بحث دیگر برمی‌گردد به عدم امکانات مالی چون به شخمه شاهد بوده‌ام که در اماکن تاریخی اصولاً حفاظت مناسبی صورت نمی‌گیرد و حفاظ مناسبی برایشان تعبیه نشده است. در معبد آناهیتا در کرمانشاه هیچ حفاظی وجود ندارد و بولدزرها جاهایی را تخریب کرده‌اند، زیرا به دلیل نداشتن حفاظ هر کسی می‌تواند به آن ورود پیدا کند. دیدن یادگاری‌ها روی آثار باستانی یا تخریب‌ها و خسارت‌های مختلف روی این آثار بسیار تکان دهنده است و می‌طلبد که قوانین موجود در این مسأله به قاطعیت عملی شوند. اگر قرار باشد روند تخریب آثار تاریخی ما به همین طریق باشد، سال‌های آینده‌تری از این آثار نخواهیم دید. ما خلأقانونی نداریم. اما شاید برخورد‌ها با افراد خاطی قاطعانه نبوده است که چنین تخریب‌های گسترده‌ای را شاهدیم. ما در این راستا از آموزش نیز غافل مانده‌ایم؛ آموزش حفظ آثار گذشتگان و درواقع شناسنامه و هویت‌ملی خودمان.



آثار تاریخی ما در حقیقت نشانه و شناسنامه و هویت ملی و اسلامی ما هستند و بی‌شک باید به آنها افتخار کنیم. در همه دنیا جوامع نسبت به میراث گذشتگان‌شان به‌خصوص بناهای به‌جا مانده حساسیت خاصی دارند و بادقت بالایی از آنها محافظت می‌کنند. اصولاً اماکن تاریخی یکی از جاذبه‌های مهم برای جذب توریست هستند. به‌هر حال از هر منظر که به این مسأله توجه شود، این نتیجه حاصل می‌شود که در حفظ آنها باید دقت‌نظر شود. اما بحث اصلی این است که چرا با وجود قانون مدونی که مجازات سختی را هم برای تخریب اموال فرهنگی در نظر گرفته است، ما شاهد تخریب‌ها به شیوه‌های گوناگون هستیم و این قانون در قبال آنها اجرائی نمی‌شود و اگر اجرائی می‌شود، نمونه مشهودی وجود ندارد. مطابق ماده ۵۵۸ اگر فردی به تمام یا قسمتی از ابنیه، اماکن، مجموعه‌های فرهنگی، تاریخی یا مذهبی که در آثار ملی ایران ثبت شده‌اند یا تزیینات، ملحقات، تاسیسات و اشیا، لوازم، خطوط و نقوش منقوش

موجود در اماکن مزبور که مستقل‌واحد حیثیت فرهنگی و تاریخی است، خرابی‌ای وارد کند علاوه بر جبران خسارت- البته چگونگی جبران خسارت هم قید نشده، چون آثار باستانی که تخریب شود یا شکل اولیه خود را از دست بدهد، بر گرداندن به حالت اولیه آن امکان پذیر نیست- باید به یک تا ۱۰سال حبس محکوم شود. این قانون وجود دارد اما در عمل کمتر شنیده یا خوانده‌ایم که افرادی از تحت این عنوان مجرمانه مجازات کرده باشند. از چند منظر این بحث قابل توجه است؛ یکی این‌که به نظر می‌رسد مسئولان مربوطه آنچنان که باید و شاید مسأله‌ارجدی نگرفته‌اند یا حداقل باید فراتر از این احساس مسئولیتی که دارند به این موضوع دل ببندند

با گذشته‌مان بی‌مهربم

| مصطفی جوان | کارشناس مرکز اسناد انقلاب |

شاید به گذشته ما برمی‌گردد؛ گذشته‌ای که همیشه پر بوده از تهاجم و تخریب و جایگزینی چیزهای جدید به جای قدیمی‌ها. همیشه نبود جا و بالا بودن هزینه‌های نگهداری باعث شده آثار باستانی ما شامل بی‌مهری ما قرار بگیرند و بی‌توجهی و عدم سختگیری‌های قانونی نیز دلپلی شده که ما امروز بسیاری از آثار باستانی خود را از دست داده‌ایم. نگاه بی‌توجهی و بی‌توجهی به میراث تاریخی و فرهنگی‌مان در این کشور‌های دیگر قاچاق می‌گردند. در برهه‌هایی از تاریخ نیز تضاد اندیشه‌های که وجود داشته باعث شده بی‌توجهی به تاریخ‌مان در ما بیشتر شود. در وهله نخست نهاده‌ها و سازمان‌های ذیربط مسئول حفظ و مرمت این آثار هستند تا عامه مردم با دیدن آنها بی‌به هویت خود برنند. مادر حال حاضر بناها و خانه‌های زیادی را می‌بینیم که تاریخی طولانی را پشت‌سر گذاشته‌اند و امروزه به بهانه برج‌سازی‌ها تخریب می‌شوند. همین مدرسه دارالفنون در حال حاضر در چه وضعیتی است؛ مدرسه‌های با این‌درجه از اهمیت و جایگاه. ما در حال از دست‌دادن هویت ملی‌مان هستیم.

هر آنچه از گذشته به‌جا مانده تاریخ یک کشور را تشکیل می‌دهد. این آثار شامل بناهای تاریخی، کتیبه‌ها، ابزار آلات جنگی و ... را شامل می‌شود و در همه جای دنیا این آثار به نحوه احسن نگهداری می‌شوند. این‌که ما شاهد فروش هواپیماهای قدیمی و تخریب بناهای تاریخی و فروش کتیبه‌های باستانی به کشورهای دیگر هستیم، نشان از ضعف میراث فرهنگی متولی آثار باستانی و فرهنگی کشور دارد. متأسفانه طی همه این سال‌ها جای مناسبی برای نگهداری از این آثار در نظر گرفته نشده است؛ آثاری که حساسیت بیشتری را برای نگهداری می‌طلبد. در جوامع دیگر شاهد موزه‌هایی از ادوات جنگی و مدال‌های جنگی‌ایم و گاهی با همان لباس‌ها و ادوات رژه‌هایی نیز بر گزار می‌شود تا فراموش نشوند و در مقابل ما شاهد از بین بردن و تخریب هواپیماهای تاریخی‌مان هستیم. در آمریکا، شوروی، چین و ... موزه‌های نظامی دارند و در آنها از قدیمی‌ترین هواپیماها تا به‌روزترین‌شان نگهداری می‌شود، البته نمونه کم‌رنگ آن در موزه سعدآباد می‌توان دید. تمام این بی‌اعتنایی‌ها